

Interfaith Dialogues and Interaction

Farman Ali Sa'idi Shagari¹

PhD. in history of Ahl al-Bayt (Peace be upon them)

Ghasem Khani-jani²

Assistant professor, Research Institute of Hawzah and University

Shir-Mohammad Jafari

MA, Science of the Quran and Hadith

Received: 2022/05/21 | Accepted: 2022/07/13

Abstract

As messengers of peace in human societies, prophets of God have always tried to bring people closer to each other and prevent any conflicts and wars. The Holy Prophet (Peace be upon him and his household) as the last Divine prophet promises peace and tranquility in the world. He used to interact with the people of the book in different ways, hence his behavior and the way he faced the religious minorities in that era can be studied. The result of this study shows how contemporary Muslim governments and Muslims who want to follow the prophetic tradition should deal with religious minorities today. According to the research, it was said during 2010 to 2050, the Muslim population growth will be double in size than the growth of the entire world population, and in the second half of the 21st century, Muslims will become the largest religious group in the world. Therefore, interfaith interaction and dialogue will be one of the urgent needs of the people, especially considering the fact that the enemies of humanity and especially global arrogance seek division and conflict between the people. In this article, using the teachings of Islam, we will examine the interaction and interfaith dialogue.

Keywords: Islam, Divine prophets, religions, interaction and dialog.



1. **E-mail:** farman.shigari@gmail.com

2. **E-mail:** Ghkhanjani1342@gmail.com

گفتگوها و تعامل بین الادیانی

فرمان علی سعیدی شگری^۱

دکترای تاریخ اهل بیت (ع)، جامعه المصطفی العالمیه

قاسم خانجانی^۲

استاد یار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

شیر محمد جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۳۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۲

چکیده

پیامبران الهی به عنوان پیام آوران صلح و آرامش در جوامع انسانی، همواره سعی و تلاششان برای نزدیک ساختن انسانها با یکدیگر و جلوگیری از هر گونه درگیری و جنگ بوده است. رسول خدا (ص) به عنوان آخرین پیامبر الهی نوید بخش صلح و آرامش در جهان است. آن حضرت با شیوه های مختلف با اهل کتاب تعامل داشتند از این رو برخورد و رفتار پیامبر (ص) و شیوه مواجهه آن حضرت با اقلیت های دینی عصر نبوی قابل مطالعه است. نتیجه این مطالعه می تواند نشان دهد که حکومت های اسلامی معاصر و مسلمانانی که می خواهند سنت نبوی را الگوی خود قرار دهند، امروزه با اقلیت های دینی باید چگونه برخوردی داشته باشند. طبق بررسی، گفته شده طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰م. رشد جمعیت مسلمانان دو برابر بیشتر از رشد کل جمعیت جهان خواهد شد و در نیمه دوم قرن ۲۱، مسلمانان به بزرگ ترین گروه مذهبی جهان تبدیل خواهند شد. از این رو تعامل و گفتگوی بین الادیانی یکی از نیازهای مبرم مردم خواهد بود. به ویژه آن که دشمنان بشریت و به ویژه استکبار جهانی دنبال تفرقه و درگیری بین مردم جهان است. در این نوشتار با بهره گیری از آموزه های دین اسلام، تعامل و گفتگوی بین الادیانی را مورد تحقیق و بررسی قرار خواهیم داد.

واژگان کلیدی

اسلام، پیامبران الهی، ادیان، تعامل و گفتگو.

1. E-mail: farman.shigari@gmail.com

2. E-mail: Ghkhanjani1342@gmail.com

مقدمه

گفتگو و تعامل بین الادیانی از مباحثی است که از زمان های دور تاکنون مورد بحث قرار گرفته و در باره آن نظرات موافق و مخالفی ابراز شده است. از همین رو برخی با استدلال هایی بر این اعتقاد بوده اند که باید میان ادیان مختلف گفت و گوهایی صورت بگیرد تا با هم پوشانی و سازگاری بین مشترکات، از جنگ و ستیز دوری جسته و به راهی برای پیشرفت بشریت دست یافت. اما در سوی دیگر عده ای سازش و تعامل و گفتگو بین الادیان را ناممکن دانسته و با شعار برتری دین اسلام و الزام بر اساس تعریف و دیدگاه تسلط دین اسلام بر دیگر ادیان، گفتگو و تعامل بین الادیان را ناممکن تلقی می کنند. طبیعی است که هر یک از این نظریه ها در طول زمان، موافقان و مخالفانی داشته است که هر چند این جانبداری یا مخالفت ها با فراز و نشیب های روبرو شده اند اما هیچ گاه به یک نظر واحد مبدل نشده است و همچنان مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. در این میان آن چه اهمیت دارد و شاید کمتر بدان پرداخته شده یا به شکل ملموسی مطرح نشده، آموزه های قرآن و اهل بیت (ع) در این باره است که اتفاقاً در این موضوع بسیار راه گشا بوده و با به کار بستن راه حل ها و دستورالعمل های آنان منازعات و ستیزه های موجود می تواند خاتمه یابد. ندای حیات بخش دین مبین اسلام چنان راه گشا است که حتی امروزه، که در نقاط مختلف از جمله در غرب آسیا میلیون ها انسان هنوز در تاریکی زندگی می کنند، اگر آموزه های روح بخش اسلام به آنان برسد، براساس آیات و روایات اهل بیت (ع) آن را قبول خواهند کرد و این تاریکی به روشنایی تبدیل خواهد شد.

به ویژه آن که اهل بیت (ع)، به عنوان رهبران الهی، آموزه هایی را در باره تعامل و گفت و گو با اقوام و ملل دیگر ارائه کرده اند که در این زمینه بسیار تأثیرگذار است. در این تحقیق بعد از بیان مباحث مقدماتی، تعامل و گفت و گوی بین الادیانی

مطرح خواهد شد و با بررسی آیات و روایات اهل بیت (ع) و با الهام از آموزه های اهل بیت (ع) که در زندگی علمی و عملی ایشان قابل دستیابی است، بیان خواهد شد که آموزه های اهل بیت (ع) به عنوان یک راه حل اساسی برای مشکلات جهان امروز می تواند مطرح شود.

تعامل فرهنگی بین الادیانی قبل از اسلام

فرهنگ و تمدن پیش از اسلام در سیطره دو امپراطور بزرگ ایران و روم بود و سال ها بین این دو فرهنگ و تمدن بزرگ نبرد و ستیز وجود داشت. این درگیری ها از دوره هخامنشی آغاز شد و تا عهد ساسانیان ادامه داشت. امپراطوری دولت ایران بر خاور زمین سیطره داشت و سرزمین عراق و یمن و بخشی از آسیای صغیر نیز از مستعمرات دولت شاهنشاهی ایران به شمار می رفت. روم به دو بلوک شرقی و غربی تقسیم شده بود. روم غربی در سال ۴۷۶ به دست وحشیان و بربرهای شمال اروپا که تابع هیچ قانونی نبودند منقرض گردید و دولت روم شرقی که مرکز آن شهر «قسطنطنیه» بود بر تمامی قسمت جنوب اروپا و خاور نزدیک و شمال افریقا از دریای احمر گرفته تا اقیانوس اطلس حکومت می کرد.

گوستاولوبون درباره انحطاط دولت و افول تمدن روم آورده است: «دولت روم در اثر جنگ هایی که با ایران کرده بود رو به ضعف نهاده و همچنین عوامل داخلی دیگری نیز در کار بود که دوران انحطاط و سقوط را می پیمود و از آن دولت نیرومند جز یک هیکل و مجسمه چیزی نمانده بود که برای واژگون کردن آن مختصر تکانی کافی بود. فساد اخلاقی و سستی ایمان نیز موجبات تباهی تمدن روم را از درون فراهم ساخته بود (گوستاولوبون، ۱۳۳۴ش، ۷۹۴).

دولت و تمدن بزرگ ایران هم به علت های گوناگون از جمله جنگ ها و اختلاف طبقاتی و نارضایتی مردم از دستگاه شاهنشاهی رو به انقراض بود و به تدریج بر اثر سوء تدبیر و غرور بی حد و خوشگذرانی زمامداران وقت ایران در لب پرتگاه سقوط قرار گرفت. شهید مطهری علت افول تمدن ایران را بی عدالتی



دستگاه حکومت ایران و نارضایتی مردم دانسته و می گوید: «این نکته از نظر مورخین شرقی و غربی مسلم است که رژیم حکومت و اوضاع اجتماعی و دینی آن روز به قدری فاسد و خراب بود که تقریباً همه مردم از آن ناراضی بودند» (مطهری، ۱۳۶۶، ۹۸).

در این اوضاع و احوال، خداوند پیامبر اسلام را فرستاد تا بشر را از سراسیبه سقوط نجات دهد و ملت عرب را که بدترین آداب و رسوم را داشتند و در جهل و گمراهی به سر می بردند و پناهگاهی جز شمشیر نداشتند اصلاح کرده و باهم متحد نماید. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرماید: «خدا محمد را فرستاد تا جهانیان را از راه و رسمی که در پیش گرفته اند بیم دهد و او را امین دستورهای آسمانی خود قرار داد، در آن حال شما ای گروه عرب! بدترین دین را داشتید و در بدترین سرزمین زندگی می کردید» (سید رضی، ۱۳۷۹، ش، ص ۳).

جعفر ابن ابی طالب نیز به هنگام تشریح اوضاع عربستان در حضور نجاشی، پادشاه حبشه، چنین گفت: «ای پادشاه! ما قوم جاهلی بودیم. بت ها را پرستش می کردیم، گوشت مردار می خوردیم و انواع اعمال زشت را مرتکب می شدیم. قطع رحم می نمودیم. همسایگان را به فراموشی می سپردیم، اقویا و نیرومندان، ضعیفان را می خوردند و نابود می کردند و...» (شلبی، ۱۴۱۶، ه، ۵۷).

تعامل فرهنگی در بستر تاریخ

هر چند امروزه نظریه برخورد عدم تعامل بین فرهنگ ها و تمدن ها به نام هانتینگتون ثبت شده و او را صاحب این نظریه می دانند اما قرن ها پیش از او، ابن خلدون نظریه عدم تعامل بین فرهنگی بین ادیان و برخورد تمدن ها را مطرح کرده و در این باره می گوید: «هرگاه ملتی مغلوب گردد و در زیر تسلط دیگران واقع شود به سرعت رو به نیستی و انقراض خواهد رفت. هرگاه کاخ فرمانروایی ملتی واژگون گردد و به سرنوشت بندگی دچار شوند و همچون ابزار بیگانگان قرار گیرند و به

آنان متکی شوند، آرزوی آنان کوتاه و سست می شود. در صورتی که توالد و تناسل و آبادانی در پرتو حصول امید و آرزو و نتایجی است که از آن به بار می آید از قبیل نشاط و جنبش قوای حیوانی. از این رو هر گاه در نتیجه سستی و زبونی، نومیدی بر قومی چیره شود و صفات و عاداتی که از امید سرچشمه می گیرد از انسان رخت بندد و عصیت هم به علت غلبه خصم از میان برود پیداست که عمران و اجتماع چنین ملتی نقصان خواهد یافت» (ابن خلدون، ۱۳۶۲، ۲۸۲).

بنا بر این ابن خلدون تعامل و گفتگوی بین الادیانی را قبول نداشته و قائل به برخورد فرهنگ ها و تمدن ها بوده است و این نظریه نظریه جدیدی نیست که فقط هانتینگتون آن را مطرح کرده باشد. در زمان های گذشته نیز برخورد بین فرهنگ ها و تمدن ها وجود داشته و به سبب عوامل مختلف این برخورد به وقوع پیوسته است.

نظریه تعامل و گفتگوی فرهنگ ها و تمدن ها

در مقابل نظریه برخورد تمدن ها، در سال ۲۰۰۱ دیدگاه گفت و گوی فرهنگ ها و تمدن ها از طرف محمد خاتمی رئیس جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران مطرح شد و سازمان ملل متحد، سال ۲۰۰۱ میلادی را سال «گفت و گوی تمدن ها» نامید (روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۷۹، شماره ۲۲۱۲۰).

البته هر چند محمد خاتمی در اواخر دهه هفتاد شمسی نظریه «گفت و گوی تمدن ها» را مطرح کرده و این گفتمان را در مجامع بین المللی به نام خود به ثبت رساند، اما چندی بعد روزه گارودی، اندیشمند و نویسنده مشهور فرانسوی باب شکایتی را در مراجع قضایی فرانسه گشود. اگرچه با دلجویی دولت ایران از گارودی، این شکایت از سوی وی منتفی شد. روزه گارودی که خود به جهت تالیف کتابی در نقض هولوکاست و قانون آن، مورد غضب صهیونیست ها بود، در ادعای خود سید محمد خاتمی را به دزدی تئوری «گفت و گوی تمدن ها» متهم کرد (<http://www.seratnews.ir/fa/news/68067>).

به هر حال طبق گفته خاتمی، گفت و گوی تمدن ها مستلزم شنیدن از سایر



فرهنگها و تمدن‌ها است و اهمیت شنیدن از سایرین اگر بیشتر از گفتن نباشد، قطعاً کمتر نیست. قرن آینده باید قرن رجوع به یک نوع معنوی باشد که انسان شرقی در کسب آن، تجربه‌های چند هزار ساله دارد. نشاط و حیات فرهنگ اروپا مدیون نگاه انتقادی این فرهنگ به همه چیز و خصوصاً به خود این فرهنگ است، اما اکنون زمان آن فرا رسیده است که اروپا یک گام دیگر به جلو بردارد و خود را از چشم دیگری ببیند. برای تحقق گفت‌گوی واقعی میان تمدن‌ها لازم است که شرق به جای اینکه موضوع شناخت باشد به شریک بحث و طرف مکالمه تبدیل شود <http://www.seratnews.ir/fa/news/68067>

این دعوت البته یک طرفه نیست ما نیز به عنوان ایرانی و مسلمان و آسیایی باید گامهای بزرگی در جهت شناخت واقعیت غرب برداریم. این شناخت، ما را در بهبود بخشیدن و سامان دادن به نحوه زندگی اقتصادی و اجتماعی خود کمک خواهد کرد و البته برداشتن چنین گامهایی چه از جانب ما و چه از جانب اروپا مستلزم خصیصه ای اخلاقی و روانی است که در اروپا بری نخستین بار توسط ایتالیایی‌ها شناخته شد و گسترش یافت.

خاتمی تاکید می‌کند که تحقق صلح جهانی به دور از تحقق عدالت جهانی امری خیالی و وهم آور است. وی با یادآوری این که روابط میان مسلمانان و غربیان به عنوان صاحبان دو تمدن بزرگ و داعیه دار جهانی، اهمیت ویژه ای دارد عنوان کرد: «اسلام نه تنها تهدیدی برای غرب نیست، بلکه به عنوان بهترین پیام معنوی آسمانی، قادر است خلاء معنوی موجود در غرب را به بهترین شکل پر کرده و انسان سرگشته و از خود بیگانه امروز را از وضعیت ناهنجار خود رهایی بخشد» (منصور نژاد، ۲۰).



پیغمبران الهی بنیانگذاران تعامل و گفتگو با دیگران

رهبران و پیغمبران الهی که از طرف خدای مهربان به رسالت مبعوث شده اند، در محیطی فاسد و سرزمینی بی بند بار مأمور تبلیغ دستورات الهی گردیده اند، تا بشر گمراه را در راه ترقی و عظمت قرار دهند.

قیام و انقلابهای انبیاء الهی برای برقراری تمدن و فرهنگ اخلاقی و کنترل اخلاق بشر و تکامل آن بوده است. پیغمبران الهی می کوشیدند که بشر را از مرکب سرکش هوی و هوس فرود آورند و او را در راه ترقی و تکامل قرار دهند (زمانی، ۱۳۴۸ش، ۲۱).

هدف پیغمبران برکت و سلامت و سعادت برای دنیا و آخرت یعنی زندگی بی نهایت است.

فراموش نشود، تمام انبیاء از شرق آسیا، مخصوصا خاورمیانه بپاخته اند و برای سعادت مردم قیام نموده اند، یعنی شرق، مرکز ادیان آسمانی جهان است. ادیان توحیدی همگی به خدای واحد دعوت نمودند و هدف نهایی فتح پیروان ادیان، قله ی توحید است از همین رو اگر همه ی انبیاء هم زمان و در کنار هم ایفای رسالت می نمودند، به اختلاف منجر نمی گردید، زیرا همه ی آن ها رهروان طریق یک مسیر بوده و برای جلب رضایت خدا، خلق را به سوی خالق می خواندند و در ایفای وظیفه، خود محوری و دعوت به سوی خود مطرح نبود تا منازعه بی صورت پذیرد (همو، ۲۲).

رفتار و سیره پیامبر با پیروان ادیان

از آن جا که رسول خدا(ص) علاوه بر رسالت معنوی به تأسیس حکومت در مدینه نیز اقدام کردند، از جهات مختلفی شیوه مواجهه پیامبر با اهل کتاب و دیگر ادیان قابل تأمل و بررسی است:

اول، رفتار پیامبر با اقلیت ها: یکی از مسائل عصر، شیوه تعامل نظام های سیاسی با اقلیت های مختلف دینی، قومی، نژادی و ... است. از این رو در جامعه ی جهانی،



تاریخچه حمایت از حقوق اقلیت ها، پیشنه بی قابل توجه، خصوصا در قرن بیستم دارد (همو، ۱۸).

بررسی تعامل پیامبر(ص) با اهل کتاب که اقلیت های عصر نبوی بودند، موضوعیت یافته و شیوه مواجهه رسول خدا(ص) با آنان قابل مطالعه است. همچنین رفتار پیامبر با مسیحیان و یهودیان و ... هم قابل مطالعه می باشد. پیامبر خدا(ص) مظهر رحمت الهی بود و این رحمت نیز خاستگاه آسمانی دارد و راز موفقیت پیامبر در رسالت نیز همین عطف و رحمت و مهربانی ایشان باز می گردد. چنان که در قرآن آمده است:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ. (انبیاء/۱۰۷)

وای رسول ما تو را نفرستادیم، مگر آن که رحمت برای اهل عالم باشی.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ إِنَّتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِن حَوْلِكَ. (آل

عمران/۱۵۹)

رحمت خدا تو را با خلق مهربان و خوشخوی گرانید. اگر تندخوی و سخت دل بودی، مردم از گرد تو پراکنده می شدند.

رفتار پیامبر با اهل کتاب

مواضع حضرت رسول در برابر نخبگان اهل کتاب نیز در چهار شکل زیر متصور است: یا پیامبر خود موضع سیاسی داشت و یا نداشت و صرفا به عنوان پیام دینی و اخلاقی محض با نخبگان اهل کتاب ارتباط می گرفتند. و نخبگان اهل کتاب نیز یا سیاسی بودند و یا نبودند. با این وصف، مجموعه تعاملات پیامبر با نخبگان در قالب جدول و مدل زیر قابل ترسیم است:

پیامبر	نخبگان اهل کتاب	نوع ارتباط
موضع دینی محض	نخبگان سیاسی/نخبگان دینی	مستقیم (توسط شخص پیامبر)
موضع سیاسی و دینی	نخبگان سیاسی/نخبگان دینی	غیر مستقیم (از طریق یاران پیامبر)

مجموعه ترابط پیامبر با نخبگان اهل کتاب در مکه، از آن رو که هنوز حکومت اسلامی تأسیس نشده و پیامبر در اختفا و تحت فشار مشرکان بودند، در ذیل موضع دینی و رفتار اخلاقی و معنوی قابل تفسیرند. از مصادیق بارز ارتباط پیامبر خدا با نخبگان سیاسی، تعاملات پیامبر با حاکم حبشه، نجاشی است که با هجرت عده ایی از مسلمانان آغاز گردید (همو، ۲۳).

گفت و گوی تمدن ها از منظر قرآن کریم

نام پیروان ادیان	یهودیان-مسیحیان-زرتشتیان-صائبیان
نوع موضع پیامبر	دینی- اخلاقی محض دینی- اخلاقی و موضع سیاسی
طرق مواجهه پیامبر با اهل کتاب	حکمت، موعظه حسن، جدال احسن، شمشیر و تحکم
مقوله بندی مخاطبان	نخبگان سیاسی و دینی اهل کتاب، مخاطبان غیر نخبه و یا مخاطبان عام
عکس العمل اهل کتاب در برابر رفتار نبوی	مسلمان شدن و بازگشت از آیین خود باقی ماندن به دین خود و ادامه زندگی مسالمت آمیز در ذیل حکومت اسلامی ایستادگی و جنگ

گفت و گوی تمدن ها از منظر قرآن کریم

قرآن کریم یکی از کتب آسمانی است که بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد و در آن تمام نیازهای بشر در عرصه های مختلف بیان شده است. یکی از موضوعاتی که قرآن بیشتر روی آن تأکید می کند قصص انبیاء گذشته است. زیرا این قصه ها برای هدایت بشر تأثیر گذار بوده و انسان ها را به فکر و اندیشه وادار می نماید. در این قصه ها تأکید انبیاء(ع) بر عنصر گفت و گو، برای هدایت و نجات انسان ها به وضوح دیده می شود.



گفت و گوی پر ثمر به منزله برخورد دو اندیشه است و نتیجه آن ارتقای طرفین دیالوگ و ارتقای مخاطبان به سطوح معرفتی تازه و پدیدار شدن منظرهای تازه برای سیر در عرصه های نظر و عمل است. از این رو اگر فرد، گروه، جامعه، ملت، فرهنگ و یا تمدنی دریافت خود از حقیقت را مطلق پندارد و دیگران را فاقد چنین موقعیت یا استعدادی بداند، نه تنها این تلقی مانعی برای گفت و گو ایجاد می کند بلکه چنانچه فرهنگ و تمدنی برای خود جهت بسط و ترویج حقائق ادراک شده، معارف حاصل شده و شیوه های معمول زندگی، رسالتی قایل بوده و دیگران را محکوم به پذیرش و تسلیم آن، حتی با توسل به زور بداند، علاوه بر امتناع از گفت و گو، ممکن است میان دو ملت، دو فرهنگ و یا دو تمدن برخوردی خصومت آمیز روی دهد.

نمونه هایی از گفت و گوی تمدن ها در قرآن کریم

در قرآن کریم گفت و گوهایی میان برخی از پیامبران با مخالفانشان مطرح شده است که می توان از آن ها به عنوان گفت و گوی فرهنگ ها و تمدن ها یاد کرد. در این جا به برخی از این موارد اشاره می شود:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (هود/۲۵).

ما نوح را نیز با این پیام فرستاده بودیم که ای مردم من برای شما بیم رسانی روشنم.

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِآدَائِنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ (هود/۲۷).

بزرگان کفار قومش (در پاسخ) گفتند ما تو را جز بشری مثل خود نمی بینیم و ما نمی بینیم که تو را پیروی کرده باشند، مگر افراد اراذل و فرومایه ای از ما که رأیی نیخته دارند، و اصلاً ما هیچ برتری در شما نسبت به خود نمی بینیم، بلکه برعکس، شما مسلمانان را مردمی دروغگو می پنداریم (هود/۲۶).

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُمْ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِن رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمَّيْتُ عَلَيْكُمْ أَوْ نَزَّلْنَا سَمُومًا وَآتَيْنَا لَهَا كَرَاهُونَ (هود/۲۸).

- نوح در پاسخ آنان - گفت: ای قوم شما که می‌گویید من بشری چون شمایم و فرستاده خدا نیستم، به من خبر دهید اگر فرضاً از ناحیه پروردگارم معجزه‌ای دال بر رسالتم داشته باشم، و او از ناحیه خودش رحمتی به من داده باشد که بر شما مخفی مانده، آیا من می‌توانم شما را به پذیرش آن مجبور سازم، هر چند که از آن کراهت داشته باشید؟ (هود/۲۹).

وَ يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِن أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ مَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ لَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (هود/۳۰).

و ای مردم! من در برابر نبوت از شما مالی درخواست ندارم، چون پاداش من جز به عهده خدا نیست، و من هرگز افرادی را که ایمان آورده‌اند - و شما آنان را اراذل می‌خوانید، به خاطر شما - از خود طرد نمی‌کنم، چون آنان پروردگار خود را دیدار می‌کنند - حسابشان با خدا است نه با من - ولی شما را قوم جاهلی می‌بینم (که گمان کرده‌اید شرافت در توانگری است و فقرا اراذلند)

وَ يَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن طَرَدْتُهُمْ أَلَّا تَدَّكُرُونَ (هود/۳۱).

و ای مردم! اگر فرضاً آنان را طرد کنم چه کسی از عذاب خدا، یاریم می‌کند، چرا متذکر نمی‌شوید؟

وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَ لَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ (هود/۳۳).

و اما اینکه گفتید: من اصلاً هیچ برتری از شما ندارم، من آن برتری که در نظر شما است ندارم چون نمی‌گویم خزینه‌های زمین و دفینه‌هایش مال من است، از سوی دیگر از نظر معنویت هم برتری ندارم و نمی‌گویم غیب می‌دانم، و نیز نمی‌گویم من فرشته‌ام، و در باره آنهایی که در چشم شما خوار می‌نمایند - و خدا بهتر داند که در ضمائر ایشان چیست - نمی‌گویم هرگز خدا خیری به ایشان نخواهد



داد، چون اگر چنین ادعایی بکنم، از ستمکاران خواهم بود.

قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَدَدْنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ
(هود/۳۲).

گفتند ای نوح!- عمری است که- با ما بگو مگو می کنی، و این بگو مگو را از حد گذراندی- کار را یکسره کن- اگر راست می گویی آن عذابی را که همواره به ما وعده می دادی بیاور.

اهمیت و ضرورت گفت و گو

گفت و شنود، طرح نظرات را از قید موضع گیری های محتوم و مختوم رها می سازد و موضع گیری های فردی را تعدیل می نماید. مواضع، در فرآیند گفتمان اصلاح و تصحیح می شوند. گفت و شنود به دور از خصمت کتابی، مرجعی و تجویزی مسائل است. دیالوگ نفی و اثبات نمی کند، رهنمون می شود

American Herithage.ition.NewYork.1997.P237ThirdEd

انبیای الهی، دعوت و رسالت خویش را با گفت و گو آغاز کردند و با گفت و گوی حقیقت مدار و هدایت محور به اهداف آسمانی خویش نائل آمدند (عبادیان، گفت و شنود، نامه مفید، ۵۱).

برخی پنداشته اند که دین برخلاف علم، با گفت و گو و گفت و شنود سرسازگاری ندارد. این پنداری ناصواب است که قبل از هر چیز منشاء آن تلقی نادرست از دین است. پنداری که از نقد ناپذیری دینداران و بینش ها و برداشت های دینی آن ها ناشی شده است. در حالی که گفت و گو یکی از اسلوب های رایج تفهیم و تفاهم ادیان الهی است. و تاریخ اسلام، گفت و گوهای فراوان پیامبر خاتم را با مشرکان و اهل کتاب و اقوام و ملل و سران مختلف، به خوبی در حافظ اش سپرده است.

گفت و گوی های علمی، عقیدتی امام صادق (ع) در مدینه و مکه به خصوص در مسجد الحرام با صاحبان افکار و اندیشه های گوناگون همچون ابن مقفع و ابو

شاگرد و دیصانی (ر.ک: طبرسی، ج ۲، ۱۹۸) و... یا گفت و گوهای عالمانه امام علی بن موسی الرضا (ع) با دانشمندان مسیحی و یهودی و اندیشوران عصر خویش نیز از نمونه‌های گفت و گوی تمدن هاست (صدوق، ۳۲۰).

امروز تعامل فرهنگ‌ها با یکدیگر، تبدیل به امر ضروری برای ملت‌ها گشته و نظام جهانی فراگیرنده این ویژگی‌ها، باید بر پایه‌های زیر استوار شده باشد:

- ۱- احترام به حق حاکمیت کشورها و عدم دخالت در امور داخلی آنها.
- ۲- احترام به فرهنگ‌های گوناگون.
- ۳- پیشگیری سیاست کلی از میان بردن فقر و حمایت از عدالت اجتماعی.
- ۴- حمایت از دموکراسی در چهارچوب احترام به ارزش‌های مورد احترام جامعه.

- ۵- در پیش گرفتن منطق گفتگو در همه سطوح میان تمدن‌ها، ادیان یا مکتب‌ها و مذاهب مختلف برای نیل به مشترکات و همکاری در این موارد مشترک.
- ۶- بالابردن سطح دانش بشر و همکاری میان کشورها در این عرصه.
- ۷- حمایت از صلح عادلانه جهانی.
- ۸- نفی هر گونه اشغالگری، ستم و تروریسم.
- ۹- فراهم آوردن امکان بهره‌گیری از تکنولوژی اطلاعاتی و دستاوردهای سازنده و مفید برای بشریت.

- ۱۰- تقویت جنبه‌های معنوی انسانی و عدم اجازه پیدایش و گسترش اندیشه‌های ویرانگری چون نازیسم، نژاد پرستی و دیگر اندیشه‌هایی که بشریت به اتفاق آنها را شیطانی می‌خواند (جمعی از اندیشمندان، جهان‌شمولی و جهانی‌سازی، ۱۳۸۸، ۴۴-۴۵).



زیان های روی برتابی از گفت و گو

امامان معصوم (ع)، در کنار پافشاری بر دستیابی به اندیشه درست، به شدت افراد را از فرجام استبداد به رای و روی برتافتن از گفت و گو برای دستیابی به افکار درست و استوار سازی آنها، برحذر داشته اند. در ذیل، به نمونه هایی از سخنان آنان در این حوزه اشاره می شود:

امیرالمؤمنین علی (ع)، کسی را که بر رای خویش پای می فشارد و از گوش فرا دادن به نظر دیگران سر بر می تابد، برای اظهار نظر صالح و توانمند نمی دانند و می فرماید:

برای آن که بر نظر خویش پای می فشارد، رایبی نیست. آن حضرت در حکمت دیگری، استبداد به رای را از لغزشگاه های اندیشه می شمارد و می فرماید: خود رای، بر لبه لغزش های انکار ناپذیر، قرار دارد (مجلسی، ج ۷۵، ۱۰۵). ایشان در سخن دیگری فرمودند: خود رایبی تو، تو را لغزنده و بی پروا برای گرفتاری ها می سازد. همچنان که فرمودند: آن که از گونه های آراء نا آگاه باشد، نیرنگ ها ناتوانش خواهد ساخت (همان جا).

اصول حاکم بر گفت و گو و تعامل فرهنگی بین ادیان

گفت و گوی تمدن ها و ادیان دارای اصول و قواعدی است که در صورت اجرا شدن این اصول به نتیجه خواهد رسید برخی از این اصول عبارتند از: کاردانی در گفت و گو؛ رعایت آداب گفت و گو؛ انواع گفت و گو و درستی روش های گفت و گو.

کاردانی در فن گفت و گو

اولین نکته در گفت و گوی تمدن ها این است که نباید هر کسی به خود اجازه دهد به عنوان نماینده یک تمدن، بر سر میز گفت و گو با تمدن های دیگر بنشیند؛ زیرا لازم است گفت و گو کننده، از توان علمی و بیانی و تسلط بر فن گفت و گو برخوردار باشد و به همین دلیل، اسلام بر آنانی که شناخت درست و حقیقی از اسلام

ندارند، روانمی داند که خود را مدافع تمدن اسلامی بشمارند. بعد از پیامبر اکرم (ص)، روش امام صادق (ع) بر تربیت و آماده سازی شاگردان متخصص در دفاع از اسلام اصیل در حوزه های گوناگون معرفت بود.

کسی که قرار است با طرف مقابل به گفت و گو بنشیند، باید در روش و فن گفت و گو علم داشته باشد در غیر این صورت گفت و گو به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در این بخش به سخنانی از اهل بیت (ع) در این باره اشاره می شود:

ابو خالد کابلی گوید: مؤمن الطاق را دیدم که گوشه ای از مسجد پیامبر نشسته و مردم مدینه گردش حلقه زده بودند و وی پاسخ می داد. نزدیک رفتم و گفتم: امام صادق (ع) ما را از سخن گفتن نهی کرده است. وی گفت: آیا امام دستور داده به من بگویی؟ گفتم: نه، ولی به من دستور داده با هیچ کس سخن نگویم. گفت: برو و در آنچه که به تو دستور داده، پیروی اش کن. نزد امام صادق (ع) آمدم و داستان مؤمن الطاق را گفتم و افزودم که من چه گفتم و او در جواب گفت: که برو و در آنچه که به تو دستور داده، پیروی اش کن. امام صادق (ع) لبخندی زد و فرمود: «ابو خالد! مؤمن الطاق با مردم سخن می گوید و می تواند پاسخ گوید و از عهده اش بر آید؛ ولی اگر با تو بحث کنند، نمی توانی از عهده بر آیی» (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۳۲۷، ۲).

از این روایت می توان یک قاعده و اصل به دست آورد. اصل و قاعده توانائی و شناخت روش گفت و گو و مناظره که در غیر این صورت، گفت و گو به ثمر نمی نشیند. اگر چه ابو خالد کابلی یکی از اصحاب خاص امام صادق (ع) بودند ولی امام (ع) به سبب عدم توانائی وی، او را از گفت و گو و مناظره منع کرد. بنا بر این تنها داشتن علم کافی نیست بلکه باید مهارت گفت و گو را هم با تمام شرایط آن داشته باشد.

در روایتی دیگر، عبد الأعلی به امام صادق (ع) گفت: مردم مرا به سبب گفت و گو و مناظره، سرزنش می کنند؛ ولی من گفت و گو می کنم. امام فرمود: «کسانی



چون تو که وقتی گرفتار شوند، نجات می یابند، اشکالی ندارد؛ ولی برای کسی که چون بنشیند، توان برخاستن ندارد، روا نیست» (همان، ج ۲، ۶۱۰، مجلسی، ج ۴۰۴، ۷۳). بنا بر نقلی دیگر، امام صادق (ع)، رو به حمران کرد و فرمود: «تو طبق روایت سخن می گویی و به حق می رسی» و رو به هشام بن سالم کرد و فرمود: «می خواهی طبق روایت سخن بگویی، اما آن را نمی شناسی» و آن گاه رو به احول کرد و فرمود: «تو قیاسگر مکاری، باطل را با باطل می شکنی؛ اما باطل تو روشن تر است». آن گاه رو به قیس ماصر کرد و فرمود: «بحث می کنی و گاه که به خبر رسول خدا (ص) نزدیک می شوی، از آنچه که به آن نزدیک شده ای دور می گردی، حق را با باطل درهم می آمیزی، در حالی که حق اندک، از باطل فراوان بی نیاز می کند. تو و احول، پُر خیر و کاردان هستی» (کلینی، ج ۱، ۱۷۱؛ مفید، ج ۲، ۱۹۴).

یونس گوید: پنداشتم که امام، به هشام بن حکم نیز سخنی نزدیک به سخنی که به آن دو فرمود، خواهد گفت؛ آن گاه امام فرمود: «ای هشام! هرگاه پایین می آیی، پاهایت را جمع می کنی و اوج می گیری. مثل تو باید با مردم گفت و گو کرد. از لغزش بپرهیز، و همراهی خداوند، به خواست خداوند، پشتوانه توست» (همو، ۱۷۱).

امام (ع) با نگاه روانشناسانه به اصحاب خود، لیاقت و استعداد آنها را در باره گفتگو بیان کرده است. بنا بر این علاوه بر داشتن دانش برای گفت و گو در باره یک موضوع، شناخت روش گفتگو و به کارگیری مهارت های لازم در این زمینه ضروری است.

بعد از اینکه فرد گفت و گو کننده با روش ها و مهارت های گفت و گو آشنا شد، برای پیشبرد اهداف خود، نیازمند رعایت آداب گفت و گو و دیالوگ است. به سبب آن که اگر انسان از روش های لازم برای گفت و گو برخوردار باشد اما با آداب آن آشنا نباشد در این صورت طرف مقابل، گفت و گو را ادامه نخواهد داد. بر

این اساس، برخی از آداب و رسوم در گفت و گو که از اهل بیت (ع) نقل شده است، به اختصار بیان می‌شود:

آداب گفت و گو

۱. نگاه کردن به سخن، نه به گوینده آن

توجه به سخن گوینده نه به گوینده آن، از آداب قطعی و عقلانی گفت و گو است. چنان که در قرآن نیز بشارت داده شده و فرموده اند «قَبِّشْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند» (زمر/۱۷ و ۱۸).

این موضوع در احادیث بسیاری نیز مطرح شده است از جمله آن که رسول خدا (ص) فرمود: حکمت را فرا گیر، و این که از کجا به دست آمده است، به تو آسیبی نمی‌رساند (دیلمی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ۱۶۸). امیرالمؤمنین علی (ع) نیز فرمود: به گوینده منکر؛ بلکه بنگر به آنچه گفت. همچنین فرمود: دانش، گم شده مؤمن است، آن را به چنگ آرید، گرچه از دستِ مشرکان باشد (آمدی، ۶۰، ۱۳۶۰).

۲. پیروی دانش

تبعیت و پیروی از علم و دانش یکی دیگر از آداب گفت و گو است چنان که در قرآن آمده است: و برخی از مردم درباره خدا بدون هیچ علمی مجادله می‌کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌کنند. نیز آمده است که از میان مردم کسی است که درباره خدا بی هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می‌پردازد (حج/۳). رسول خدا (ص) نیز فرمود: کسی که در نزاع‌ها از غیر دانش یاری جوید، تا هنگام مرگ، در خشم خداست. همچنین فرمود: از بهترین امت من، مردمی هستند که پیرو برهان اند (متقی هندی، ۴۴).

انواع گفت و گو

از تعالیم دینی و آموزه‌های اهل بیت چنین برمی‌آید که گفت و گو می‌تواند انواع مختلفی داشته باشد و بدیهی است که همه انواع آن پسندیده نیست و به نتیجه



نمی‌رسد. در این بخش به برخی از این انواع اشاره می‌شود:

۱. گفت و گوی شایسته

گفت و گویی که مورد توجه قرار گرفته و نتیجه بخش خواهد بود گفت و گوی شایسته است. ویژگی گفت و گوی شایسته در قرآن چنین ترسیم شده است: حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است مجادله کن. در حقیقت، پروردگار تو به حال کسی که از راه او منحرف شده، داناتر و او به راه یافتگان داناتر است (نحل/۱۲۵). همچنین آمده است که با اهل کتاب، جز به شیوه ای که بهتر است، مجادله نکنید - مگر با کسانی از آنان که ستم کرده اند- و بگویید: «به آنچه به سوی ما نازل شده و آنچه به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوریم؛ و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم اویم» (عنکبوت/۴۶).

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز می‌فرماید: نوجوانان را به مجادله و مباحثه فرمان دهید، میان سالان را به تفکر و کهن سالان را به سکوت (ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ۲۸۵-۲۶۰). هشام بن حکم گوید امام صادق (ع) از من پرسید: «ابن طیار چه شد؟ گفتم: درگذشت؛ فرمود: خدا رحمتش کند و او را با چهره‌ای شاداب و شادمان، ملاقات کند، وی بسیار دفاع کننده از ما اهل بیت بود» (کشی، ج ۶۳۸، ۲).

۲. گفت و گوی نکوهش بار

گفت و گوی نکوهیده گفت و گویی است که با جدال و عدم پذیرش حق همراه باشد از این رو در قرآن می‌فرماید: و به راستی در این قرآن، برای مردم، از هر گونه مثلی آوردیم، ولی انسان بیش از هر چیز، سرِ جدال دارد (انعام/۶۸). یا فرموده است: و آنان که در آیات ما مجادله می‌کنند، بدانند که ایشان را گریزی نیست (شوری/۳۵). چنان که در آیه ای دیگر می‌فرماید: کسانی که در باره خدا پس از اجابت دعوت او به مجادله می‌پردازند، حجّثشان نزد پروردگارشان باطل است و

خشمی بر ایشان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود (عنکبوت/۵)

۳. جدال احسن

نوع دیگری از گفت و گو، جدال احسن است. با آن که در روایات متعددی از جدال نهی شده است اما اگر جدال احسن باشد نه تنها از آن نهی شده بلکه در مواقع گفت و گو بدان توصیه نیز شده است.

۱/۳. جدال احسن از منظر و دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم مجادله ای را احسن و نیک می شمارد که این ویژگی ها را داشته باشد: ۱. مجادله و مناظره برای اثبات حق و نفی باطل باشد؛ ۲. ثمره و نتیجه آن رشد و هدایت انسان باشد. اگر چنین مناظره و مجادله ای تحقق پیدا کند از دیدگاه قرآن کریم آن مناظره و مجادله نیکو و خوب است و باید چنین مجادله و مناظره ای انجام گیرد و قرآن کریم به آن ترغیب کرده است. چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: **وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ**. با آنان به بهترین روش جدال کن یا در آیه دیگر می فرماید: **وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ**؛ با اهل کتاب، به جز با بهترین روش ممکن، جدال مکن (عنکبوت/۴۶).

از مجموع آیات قرآن کریم استفاده می شود که جدال احسن، روش انبیا علیهم السلام در دعوت به راه خدا بوده است. بر پایه آیات ۳ و ۸ حج، جدال احسن باید آگاهانه باشد؛ زیرا جدل از روی علم، به اعتقاد حق منتهی می شود و جدال بدون علم، به اعتقاد باطل می انجامد (فخر رازی، بی تا، ج ۲۷، ۲۹).

از این رو فرمود: **وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النِّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ**؛ ای گروه من، چه می شود که من شما را به نجات فرا می خوانم و شما مرا به آتش فرا می خوانید؟ (غافر/۴۱).

۲/۳. جدال احسن در آموزه های اهل بیت علیهم السلام

در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به جدال احسن ترغیب شده است؛ چنان که در حکمت های منسوب به امیر مؤمنان، علی (ع) آمده است که جوانان را به

بحث و مجادله توصیه کنید (ابن ابی الحدید، ج ۲۸۵، ۲۰). همچنین به فرموده امام عسکری (ع)، وقتی به امام صادق (ع) عرض شد که پیامبر اکرم (ص) و ائمه علیهم السلام از جدال در دین نهی کرده اند، امام صادق (ع) فرمود: از جدال به طور مطلق نهی نشده، بلکه از جدال غیر احسن نهی شده است؛ آن گاه امام صادق (ع) به آیات ۱۲۵ نحل و ۴۶ عنکبوت که به جدال احسن ترغیب می کنند، استناد کردند (التفسیر المنسوب إلى الامام العسکری علیه السلام، ۱۳۸۸، ۵۲۷ ح ۳۲۲؛ مجلسی، ج ۱۲۵، ۲). جدال احسن باید با سخن مهرآمیز و توأم با نرمی و وقار و آرامش، و برای یاری حق صورت گیرد و با حجت و دلیل عقل پسند و پرهیز از هرگونه اذیت، درستی، خشونت و سخت گیری باشد.

در احادیث و روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) به دست ما رسیده است، بر دوری از جدل تأکید شده است؛ چنانکه پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «به هیچ چیزی پس از نهی از بت پرستی به اندازه نزاع و ستیزه کردن با دیگران نهی نشده ام».

آیات قرآن و روایات اسلامی ما را از نزاع و گفت و گوهای بی فایده و اعتراض بر گفتار دیگران بدون غرض و مقصود دینی برحذر داشته است، چراکه نه تنها فایده و نفعی ندارد، بلکه موجب دشمنی، نفاق، و از بین رفتن سلامت عقل می گردد. امام صادق (ع) به نقل از امام حسین (ع) می فرماید: «جدال از چهار حال بیرون نیست: اول اینکه مباحثه در مسئله ای است که هر دو طرف نسبت به آن، علم و اتفاق نظر دارند؛ در این صورت، هر دو از مرحله خلوص و صفا بیرون رفته و علم خود را ضایع کرده و طلب رسوایی و فضیحت نمودید. دوم، آنکه هر دو جاهل به آن موضوع مورد بحث هستند که در این حالت، نادانی خود را آشکار نموده و روی جهل با همدیگر مجادله کرده اند. سوم، اینکه یکی عالم است و با شخصی که جاهل است جدال می کند. در این صورت، مقصود آن عالم روشن کردن لغزش طرف مقابل از روی

ظلم به او است و چهار، یکی جاهل بوده که با شخص عالم جدال می کند. در این صورت شخص جاهل، احترام و منزلت عالم را حفظ نکرده و نسبت به او ستم کرده است. پس جدال به هر صورت زشت و ناروا است، و کسی که انصاف داشته باشد و در مقابل حق تسلیم باشد، قهراً جدال را ترک خواهد کرد، و در این حالت ایمان خود را محکم نگه داشته و سلامتی دین خود را نیکو گرفته و عقل خود را از لغزش و اشتباه حفظ کرده است.

۴. احترام به طرف مقابل

در سیره اجتماعی و اخلاقی اهل بیت علیهم السلام به ویژه به هنگام گفت و گو، احترام به طرف مقابل از اهمیت بسیاری برخوردار است. در حقیقت یکی از اصول گفت و گوی سازنده احترام به آداب و رسوم طرف مقابل است. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به این مطلب مهم اشاره کرده و می فرماید: هماهنگی در اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه های آنان است (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱، ترجمه محمد دشتی، ص ۵۲۷).

همچنین امام علی علیه السلام در نهج البلاغه در بیان دیگری فرموده اند:

حق صاحب و رفیق این است که به فضل و انصاف با او رفتار کنی و او را احترام متقابل نمائی و مگذاری در احسان به تو پیش افتد و اگر پیش افتاد عوض دهی و با او برآئی چنانچه با تو برآید و اگر قصد گناه کرد بازش داری و برایش رحمت باشی نه عذاب و لا قوه الا بالله (نهج البلاغه، خطبه ۶۶، ترجمه محمد دشتی، ص ۲۴۵).

۵. عدم درگیری و خشونت در گفت و گو

یکی از مظاهر سیره اهل بیت (ع) عدم درگیری و خشونت در گفت و گو با دیگران است. این ویژگی از راه های مختلفی تحقق می یابد که در این مجال به چند نمونه از این موارد اشاره می شود:

۱/۵. کنترل خشونت و تندخویی در زمان گفت و گو

دوری از خشونت و کنترل خشم و تندخویی یکی از این راه ها بود که برای



پیشگیری از درگیری اهمیت بسیار داشت. از این رو در معارف دینی چنین توصیه شده و فرموده‌اند: باد دماغت را فرو بنشان و هنگام تندخویی و قدرت نمایی بر خود مسلط باش و تیزی زبانت را در اختیار خود گیر، با خویشتن داری، و با تأخیر افکندن اقدام خشونت‌آمیز، از خشم به دور باش و چون زمینه خشم و خشونت فراهم شد چشم به آسمان بردار تا خشمت فرو نشیند و عنان اختیار به دست آید و هرگز چنین قدرتی بر نفس خود نخواهی یافت مگر آن که فراوان به یاد قیامت و بازگشت به سوی پروردگارت باشی (ابن شعبه حرانی، ۲۹۲).

۲/۵. رفتار انسانی با پیروان مذاهب دیگر

در دستورات دینی صرف نظر از این که مخاطب چه کسی باشد و چه دینی داشته باشد بر رفتار انسانی تأکید فراوان شده است. به عنوان نمونه امام باقر(ع) فرموده‌اند:

وَإِنْ جَالَسَكَ يَهُودِيٌّ فَأَحْسِنْ مُجَالَسَتَهُ؛ اگر یهودی با تو هم‌نشینی کرد، با او رفتار نیکو داشته باش (کلینی، ۱۳۹۰ ش، ج ۲، ۶۷۰).

۳/۵. پرهیز از گفتار نابهنجار نسبت به پیروان مذاهب

دشنام و سخنان نابهنجار به هیچ روی حتی نسبت به پیروان مذاهب دیگر در اسلام مجاز نیست. بر همین اساس هنگامی که امیرالمؤمنین علی(ع) در نبرد صفین شنید که عدّه‌ای از یارانش به اهل شام دشنام می‌دهند فرمود:

پسند من نیست که شما دشنام دهنده باشید، ولی اگر در گفتارتان کردار آنان را وصف کنید و حالشان را بیان نمایید به گفتار صواب نزدیک‌تر، و در مرتبه عذر رساتر است. بهتر است به جای دشنام بگویید: خداوندا، ما و اینان را از ریخته شدن خونمان حفظ فرما، و بین ما و آنان اصلاح کن، این قوم را از گمراهی نجات بخش تا آن که جاهل به حق است آن را بشناسد، و آن که شیفته گمراهی است از آن باز ایستد (مجلسی، ج ۳۲، ۵۶۱).



با مرور آیات و روایات می توان به این نتیجه رسید که:

۱. در اسلام هر دو نظریه گفت و گو و برخورد تمدن ها مطرح شده است؛
۲. هر دو نظریه یعنی گفت و گو و برخورد تمدن ها به طور مطلق قابل قبول نیست بلکه این دو امری نسبی هستند؛
۳. بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع) اول گفت و گو است و در مرحله بعد برخورد؛ یعنی گفت و گو نرم افزارانه است و برخورد سخت افزارانه؛
۴. در همه این موارد، در صورت روی آوردن به گفت و گو اصولی را باید رعایت کرد تا گفت و گو نتیجه بخش باشد و بتواند مشکل جامعه بشری را بدون درگیری و نزاع حل کند از جمله آن که گفت و گو باید بر اساس جدال احسن صورت بگیرد، از خشونت و خشم به هنگام گفت و گو پرهیز شود، رفتار انسانی با پیروان مذاهب دیگر لحاظ شود، از گفتار ناهنجار نسبت به پیروان مذاهب پرهیز شود، احترام متقابل و احترام به آداب و رسوم طرف مقابل نادیده گرفته نشود و تکیه بر مشترکات و چشم پوشی و دوری از اختلافات مورد توجه باشد.



فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. ابن ابی الحدید، عزّ الدین عبد الحمید بن محمّد، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمّد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعة الثانية، ۱۳۸۷هـ.ش.
۲. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمة ابن خلدون، ترجمه محمد پروین، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۲.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (م قرن ۴)، تصحیح و تعلیق علی أكبر غفاری، چاپ چهارم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۴.
۴. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم ودررالكلم، تحقیق، میر سیّد جلال الدین محدث ارموی، جامعه طهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۰هـ.ش.
۵. التفسیر المنسوب إلى الامام العسکری علیه السلام، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۸.
۶. دیلمی، ابو شجاع شیرویه بن شهر دار الدیلمی الهمدانی، الفردوس بمأثور الخطاب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ق-۱۹۹۷م.
۷. سیّد رضی، نهج البلاغه، ترجمه، عزیر الله کاسب، تهران، نشر محمد، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۸. شلبی، محمود، حیاة جعفر بن ابی طالب ذی الجناحین الطیّار، بیروت، دار الجیل، الطبعة الثانية، ۱۴۱۶هـ-۱۹۹۶.
۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق السیّد مهدی الحسینی، طهران، منشورات جهان.
۱۰. طبرسی، مجمع البیان،
۱۱. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۸هـ.ق.

۱۲. طوسی، محمد، اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، تحقیق سید مهدی رجائی، مؤسسۀ آل البیت، قم، الطبعة الاولى، ۱۴۰۴ه.ق.
۱۳. عبادیان، محمود، گفت و شنود، نامه مفید، ش ۲۴، سال ششم، زمستان ۱۳۷۹.
۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، بی تا.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الثقلین، ۱۳۹۰ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
۱۷. گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه، سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ چهارم، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، ۱۳۳۴ش.
۱۸. متقی هندی، کنز العمال، تصحیح صفوة السقا، مکتبۀ التراث الاسلامی، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۳۹۷ه.ق.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران، مؤسسۀ الطور، ۱۳۷۰ش.
۲۰. مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۳۶۶.
۲۱. منصور نژاد، محمد، گفت و گوی تمدن ها از منظر اندیشمندان ایرانی، نسخه الکترونیکی.
۲۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، مترجمان، ابو طالب صارمی، عبد الحسن و پرویز مرزبان، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۱ش.
۲۳. هانتینگتون، ساموئل پی، نظریه برخورد تمدن ها، ترجمه، مجتبی امیری وحید، تهران: مرکز و چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
- 1- American Herithage.ition.NewYork.1997.P237ThirdEd.

